معرفی کتاب

کربلا؛ مدرسه عشق و دانشگاه تعالی

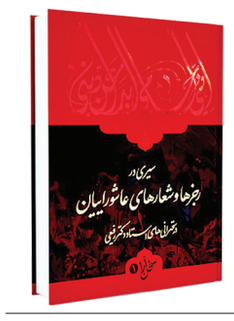

از آنجا که یکی از فرازهای گفت‌وگوی جام جم با استاد رفیعی درباره رجزها و شعارهای یاران امام حسین است به کتابی در این زمینه نگاهی انداختیم.

در مقدمه کتاب به قلم دکتر ناصر رفیعی (که این مجموعه برآیند سخنرانی‌های وی در دهه عاشوراست) می‌خوانیم: یکی از راه‌های دریافت پیام عاشورا، بررسی رجزها و شعارهای امام حسین(ع) و اصحاب باوفای آن حضرت است. راز ماندگاری نهضت کربلا را باید در اراده الهی، اخلاص اباعبدا...(ع)، جامعیت قیام، حق محوری و عناصر و اصحاب یافت دهه محرم یادآور حرکت سترگ اباعبدا...(ع) در مبارزه با ستم اموی است. کربلا محدود به یک سرزمین و عاشورا منحصر به یک روز نیست؛ کربلا به جغرافیای همه عالم و عاشورا به وسعت همه آرزوهاست یکی از راه‌های دریافت پیام عاشورا، بررسی رجزها و شعارهای امام حسین(ع) و اصحاب باوفای آن حضرت است. اگر حسین از ما بود در تمام زمین برای او پرچم برمی‌افراشتیم و مردم را با نام حسین به میسحیت فرامی‌خواندیم این را آنتوان بارا می‌گوید. به‌گفته جورج جرداق مسیحی پژوهشگر و شیفته امام علی(ع): همان اندازه که حسین با درخت نبوت و اخلاق علوی پیوند داشت؛ یزید با روح سفیانی و بی‌شرمی مآنوس بود. محمدبن علی‌بن جناح می‌گوید: هیچ نمونه‌ای از شجاعت بهتر از آن که امام حسین(ع) از لحاظ فداکاری و تهور نشان داد در عالم پیدا نمی‌شود.

گفت‌وگو

گفت‌وگو با حجت‌الاسلام دکتر ناصر رفیعی، عضو هیأت علمی جامعه المصطفی

مقتل‌های درست را روایت کنیم

علی مظاهری
روزنامه‌نگار

ناصر رفیعی محمدی، متولد سال ۱۳۴۴ شهر مقدس قم است که با پیروزی انقلاب اسلامی عضو شاخه دانش‌آموزی حزب جمهوری اسلامی شد. تحصیلات حوزوی را که به پایه پنجم رساند، کسب رتبه اول در آزمون شورای مدیریت حوزه، او را مفتخر به دریافت یک دوره بحارالانوار از امام راحل (ره) کرد. استادان درس‌های خارج ایشان آیات عظام فاضل لنکرانی، مظاهری، آقا میرزا جواد تبریزی و منتظری بودند همچنین درباره درس‌های جنبی حوزه، فلسفه (نهایه الحکمه علامه طباطبایی) را نزد استاد آیتا... صالحی مازندرانی، علوم قرآن را نزد آیتا... معرفت، شرح تجرید را نزد آیتا... استادی، تفسیر را نزد آیتا... جوادی و رجال را نزد آیتا... سبحانی گذراند. البته با آیتا... مکارم دوستی نزدیک دارد. لیسانس الهیات را از دانشکده باقر العلوم و فوق لیسانس را از دانشگاه قم گرفت سپس دکترای علوم قرآن و حدیث را از دانشگاه تهران با رتبه عالی دریافت کرد.

شماری از مسئولیت‌های حجت‌الاسلام دکتر رفیعی: مسئول نهاد نمایندگی ولی فقیه در دانشگاه / مدیرگروه شیعه‌شناسی و عضو هیأت علمی دانشگاه بین‌المللی المصطفی / مدیر مسئول و سردبیر نشریاتی مانند مجله علمی پژوهشی مطالعات تاریخی جهان اسلام، فصلنامه سخن تاریخ، مجله حدیث اندیشه، مجله مطالعات زنان و بانوان، عضو کمیته حج و زیارت، گروه گزینش وزارت علوم، کمیته نخبگان دفتر تبلیغات، رئیس مجتمع تاریخ دانشگاه (جامعه) المصطفی و... تالیف و نشر بیش از ۲۵ عنوان کتاب و شماری مقاله.

«یک عالم مفید باشم و بیان و قلمم تاثیرگذار باشد بتوانم زبان دین باشم البته نه فقط در ایران» این را دکتر در اردیبهشت ۹۹ به این مخلص گفت و بی‌ریا بنویسم این ویژگی ایشان ستودنی است همین که با زبانی ساده و رسا می‌تواند مباحث علمی و بحث‌های جدی و سنگین را طرح کند بدون این‌که سطح سخن را تقلیل داده یا بحث را تنزل دهد به همین دلیل، مخاطبان از هرگروهی می‌توانند از منبرها و سخنرانی‌های استاد رفیعی بهره‌مند شوند. البته خود ایشان به پذیرش الهی امیدوار است نه کارنامه پربارش: «روضه‌خوان خوبی بودم برای امام حسین و امیدوارم همین دستم را بگیرد» لذت زندگی را «یادگرفتن» می‌داند در هرزمینه‌ای از آگاهی به چون و چند سلول‌های بنیادی تا به‌ویژه تاریخ. البته خرسندی از زندگی را بسته به «تحلیل درست پدیده‌ها و نگاه مثبت» می‌شمارد مخصوصا در صورتی که کسی «نگاهش به پایین دستش باشد». و به جهان که نگاه می‌کند «مزرعه آخرت» را می‌بیند البته نه با نگاه وابستگی بلکه به گفته خودش «با نگاه وارستگی» و سرانجام «بالاترین سعادت را عاقبت بخیری» می‌داند. در فشار و تراکم کار و برنامه‌های دکتر با چه شتابی در فرصت کوتاه میانه سفرهای استانی که چند بار تلفنی صحبتی کردیم، سرانجام به این فرازها رسیدیم.

برش

مجالس حسینی سیاسی است جنس این سیاست چیست، در فراز بعدی خواندنی است:

کربلا باید برای امروز پیام داشته باشد. مثلا «دفاع از مظلوم» پیام کربلاست پس ما نمی‌توانیم راجع به غزه بی‌تفاوت باشیم. یا جلسه‌ای یا منبر دارم و شب قبلش کودکی را در غزه کشته‌اند. نه می‌گویم و نه اشاره می‌کنم. در اینجا انسان پیش خدا تا حدودی مسئول است. امام سجاد در نیایش ۲۸ صحیفه سجادیه می‌گوید: خدایا من از تو پوزش می‌خواهم «اعتذر الیک من مظلوم ظلم بحضرتی فلم انصره» در زمان من و در پیش من به مظلومی ظلم شده باشد و من کوتاه آمده باشم. آیا من می‌توانم نسبت به بمب‌گذاری در دبیرستان دخترانه افغانستان بی‌توجه باشم؟ نه!

کربلا به شما می‌گوید باید از مظلوم دفاع کنی، حالا غزه باشد یا افغانستان یا یمن، شیعه باشد یا سنی. یا در فضای دیگری فرض کنید گرونگیری در سومالی یا آزار مسیحیان در کلیسا باشد. ما با ترور و کشتن به این شکل مظلومانه کنار نمی‌آییم.

کربلا به ما درس دفاع از دین و درس عزت و حریت می‌دهد. به نظرم اینها کاملا با واقعیات امروز آمیخته است و اگر نتوانیم این ارتباط را ایجاد کنیم، صرفا شده‌ایم ناقل یک تاریخ. این خیلی مهم است که باید برای امروز جامعه نتیجه بگیریم اگر آن روز در جامعه دینی بیش از ۷۰ تا ۸۰ نفر امام حسین را یاری نکردند، امروز شرایط به‌گونه‌ای است که پرچم اسلام در دست فقیه جامع‌الشرایط است که نباید ایشان تنها بماند، زیرا ولایت فقیه استمرار حرکت انبیا و امامان است. پس مانند امام حسین(ع) نباید بی‌یاور بمانند به همین علت مانند شهید سلیمانی‌ها برمی‌خیزند و به (جنگ داعش در) سوریه می‌روند، زیرا طبیعتا پیام کربلا این است که مدافع دین را تنها نگذارید و ولی فقیه و پیروان‌شان مانند شهید سلیمانی‌ها این پیام را درک کرده‌اند. شعار کربلایی «إنی احامی ابدا عن دینی» همچنان زنده و کارآمد است و برای امروز پیام دارد.

در راستای تحریف‌زدایی از چهره آفتابی عاشورا زحمت‌های فراوانی کشیده شده اما همچنان تکرار تحریف‌ها آن هم از زبان برخی سرشناس‌ها آزرده خاطرمان می‌کند. به ویژه پذیرش تحریف‌ها باعث می‌شود معنا و هدف و رسالت عاشورا تحت‌الشعاع قراربگیرد، چه کنیم؟

مبانی در نقل مقتل و داستان کربلا با هم متفاوت است. برخی از مبانی به گونه‌ای سختگیرانه است مانند آن‌چه که جناب پیشوایی در کتاب مقتل جامع دارد یا مبنایی که مثلا آقای ری‌شهری و همکاران‌شان در کتاب دانش‌نامه امام حسین داشتند. مبنای برخی دیگر از دوستان و علما مقداری سهل‌گیرانه است و معتقدند در نقل مقتل نباید آن‌قدر هم سختگیری کرد به همین جهت شما در کتاب‌هایی که درباره کربلا نوشته‌اند مانند ملااحمد نراقی (محرق القلوب) یا مرحوم طریحی و... می‌بینیم برخی مطالب ضعیف هم نقل شده است.

به بیانی ساده‌تر، برخی افراد که در حوزه تاریخ کار می‌کنند برای مقاتل تا قرن هفتم اعتبار ویژه‌ای قائل هستند مانند لهوف شیخ صدوق یا خوارزمی و... و طبیعتا به مقاتل پس از قرن هفتم کمتر اعتماد می‌کنند. ولی برخی نیز عقیده دارند مقتل‌هایی که در قرن‌های مثلا ۱۱ یا ۱۲ نیز نگاشته شده اگر توسط عالم یا بزرگی قلمی شده باشد می‌تواند محل رجوع و اعتماد باشد.

خود این اختلاف مبنا باعث اختلاف در نقل و روایت می‌شود. مثلا مرحوم مجلسی با استفاده از یک «خبر واحد» داستان سر امام حسین در دروازه کوفه و عکس‌العمل حضرت زینب را نقل کرده است. اگر مداح یا سخنرانی با اعتماد به کتاب بحارالانوار این داستان را نقل کند در اصل دروغی نگفته اما اگر پژوهشگر و مورخی بگوید این مطلب را نمی‌پذیرد زیرا مجلسی این روایت را از مسلم جساس نقل کرده بدون این‌که به سند و کتاب یا منبع اشاره‌ای بکند.

«وجه جمع» و حاصل سخن این است که در داستان کربلا سخت است به یک وحدت رویه برسیم. زیرا ممکن است مبنای کسی، اعتبار تمام کتاب‌های مقتل باشد لذا از «معالی‌السبطین» هم نقل می‌کند. ممکن است مبنای یک پژوهشگر، آثار تا قرن هفتم باشد و اینها را ضعیف بشمرد. مثلا شهید مطهری، با مبنایی که دارد برخی روضه‌ها را پذیرفتنی نمی‌داند و کتاب «روضه‌الشهدا» را قبول ندارد. برخی برعکس، همان روضه‌ها را قبول دارند. مثل داستان اربعین و بازگشت به کربلا [در همان سال رخداد فاجعه] که حاج شیخ عباس قمی و مرحوم نوری (صاحب مستدرک) آن را نفی می‌کنند از سوی دیگر قاضی طباطبایی کتاب می‌نویسد و دفاع می‌کند. پس در نقل مقتل به هیچ وجه وحدت رویه نداریم. زیرا مبانی فرق می‌کند. از سوی دیگر برخی امور و رخدادها بی هیچ گمانی دروغ است و باید از اینها پرهیز شود همچنین در نقل مقتل بایستی میان «زبان حال» و «زبان قال» فرق گذاشته شود.

مسعودی نوشته.. تمام رسانه‌های موثر جهان قدیم مانند منبرها و شعرو... در اختیار دشمنان اهل بیت بوده بنابراین طبیعی است که درباره امام حسین و نهضت عاشورا به کژنمایی و تحریف و دروغ‌زنی بپردازند....

بدون تردید این اتفاق افتاده است ولی با حدس (صائب حتی)، نمی‌توانیم کتابی را رد یا نفی کنیم. اعتقادمن این است که درباره مقتل امام حسین ع باید معتبرترین‌ها را برگزینیم و ملاک بگذاریم. مثلا مرحوم احمدی میانجی می‌گفت «نفس المهموم» شیخ عباس قمی خوب است یا برخی مقتل مقرم (عبدالرزاق موسوی مقرم) را کافی می‌شمرند یا به ویژه این مقتلی که کارکرده‌اند «دانش‌نامه امام حسین» خیلی عالمانه است. اقوال مختلف را آورده و حتی المقدور سعی کرده درست به روایات بپردازد.

کربلا باید برای امروز پیام داشته باشد. مثلا «دفاع از مظلوم» پیام کربلاست پس ما نمی‌توانیم راجع به غزه بی‌تفاوت باشیم

به نظر می‌رسد از نقل آن روایاتی که سند تاریخی ندارد باید پرهیز شود چون بسیاری از روایات و رخدادهایی که نقل می‌شود دروغ محض است و اصلا در تاریخ وجود ندارد. بایستی اینها نفی شود. یک زمانی آیتا... استادی از هفت مقتل نام برد و گفت متفردات اینها را نقل نکنید یعنی اگر یک مطلب و روایت و رویدادی فقط در یکی از این کتاب‌ها آمده و در منابع دیگر وجود ندارد از نقل آن پرهیزکنید زیرا مطمئنا ضعیف است ولی چنان‌چه در چند منبع آمده باشد نقل آن اشکالی ندارد.

امام حسین(ع) آرمان‌های بلند انسانی و نیکنامی و بلندآوازگی را در نهضت عاشورا رقم زد و احیاکرد. چنین مولفه‌های نیکویی را امروزه چگونه می‌توان بازآموزی کرد و به تبیین دوباره چنین محورهایی برای معاصران پرداخت؟

برخی افراد این روزها در فضای مجازی، مغرضانه و برخی جاهلانه نقدهایی می‌کنند. شما ببینید من از تمام آقایان مداح - که دست همه‌شان را می‌بوسم - تقاضادارم بیشتر با زبان شعر «مقتل‌خوانی»کنند. زبان شعر باز و گشوده‌است؛ یعنی با زبان شعر می‌توانید روضه علی اصغر را یک ساعت شرح دهی بدون این که به ناراستی و دروغگویی بیفتی، تشبیه کنی و استعاره بیاوری و... این چنین کاری هیچ اشکالی ندارد و اشعار کسانی مانند «دعبل» و «کمیت» این را به ما نشان می‌دهد.

در سوره انفال آمده خدا بدترین جنبندگان را لایعقلون می‌شمارد نه عقل‌شان را کارمی‌اندازند نه می‌اندیشند. خردمندانه به این عزاداری‌ها بنگریم که بیمه‌گر اسلام ناب محمدی است. به قول امام راحل، راهکارهایی برای برگزاری هرچه پاک‌تر و ناب‌تر و عقلانی‌تر پیدا کنیم؟

در اعتبارسنجی روایات چه تاریخی چه غیرتاریخی، دو معیار مهم از سوی اهل بیت ذکرشده که فرموده‌اند: «قرآن و سنت»؛ حرفه‌ای ما را با قرآن و سنت بسنجید. آیتا... سبحانی کتابی دارند به نام «الحدیث النبوی بین روایه و درایه» که خود من هم در کتاب «وضع حدیث» این بحث را آورده‌ام که غیر از سنت و قرآن، چند معیار دیگر نیز قابل ارزیابی است: عقل، علم روز، اجماع مسلمین، تاریخ مسلم (یقینی و قطعی نمی‌گویم) البته عقل شخصی منظور نیست بلکه عقل نوعی منظور است. من درباره این خردشخصی احتیاط می‌کنم؛ یعنی افراد باید مواظب باشند عقلی که معیار قرار می‌دهند خدای‌ناکرده روشنفکری نباشد که موجب نفی داده‌ها و داستان‌های تاریخی شود. باید در این داستان حواس‌مان جمع باشد که افراط و تفریط صورت نگیرد.

معیار ارزش و ارزندگی عزاداری‌ها به نظر شما چیست؟

معیار ارزش عزاداری‌ها عزت و اقتدار اهل بیت(ع) است؛ یعنی جوری نباشد که این عزاداری‌ها اهل بیت را (خدای‌ناکرده) خوار کند. اصل «هیهات منا الذله» در همه کربلا حاکم است. وقتی می‌گویند: بیچاره زینب! این حرف غلطی است، زینب، چاره‌ساز است. وقتی از عباس می‌گویید، عباسی نسازید که وسط ایستاده و یکی برسرش گرز کوبیده و دیگری به چشمش پیکان زده؛ نه خیر! این عباس وقتی به علقمه پاگذاشت ۴۰۰۰ نفر فرار کردند. بعد هم از پشت سر به ایشان ضربه زدند نه از پیش رو، عزت و اقتدارش را بگویید سپس مصیبتش را هم بخوانید. نباید مصیبت‌خوانی، آن عزت و اقتدار را زیرسؤال ببرد. دو اصل عزت و حریت یا آزادگی مبنای کربلاست.

امام حسین(ع) آرمان‌های بلند انسانی و نیکنامی و بلندآوازگی را در نهضت عاشورا رقم زد و احیاکرد. چنین مولفه‌های نیکویی را امروزه چگونه می‌توان بازآموزی کرد و به تبیین دوباره چنین محورهایی برای معاصران پرداخت؟

برخی افراد این روزها در فضای مجازی، مغرضانه و برخی جاهلانه نقدهایی می‌کنند. شما ببینید منبرهای خود بنده یا آقای عالی یا منبرهای آقایان حسینی قمی و فرحزاد و... ۵۰ دقیقه منبر می‌رویم، پنج دقیقه مصیبت می‌خوانیم؛ پس ۴۵ دقیقه داریم همین‌هایی را می‌گوییم که شما بیان می‌کنید. همین امسال ۱۰ شب به بیان ویژگی‌های یاران امام‌حسین(ع) پرداختم. پس نباید بی‌انصافی کنیم. این همه از قدیم تاکنون منبری‌ها انجام وظیفه کرده‌اند کتاب‌هایشان را هم ببینید، ۴۰ تا ۴۵ دقیقه از فضایل امام حسین(ع) یاد کرده‌اند در حد پنج دقیقه به ذکر مصیبت پرداخته‌اند. لذا این آموزه‌هایی که شما گفتید باید در منابر و اشعار تجلی پیدا کند. یکی از بهترین کتاب‌ها در این باره که آیتا... صافی در جوانی نوشته‌است «پرتوی از عظمت امام حسین(ع)» است که همه این فضایل و مولفه‌ها را در آنجا به تصویر کشیده‌است.

خدایا من از تو پوزش می‌خواهم در زمان من و در پیش من به مظلومی ظلم شده باشد و من کوتاه آمده باشم. آیا من می‌توانم نسبت به بمب‌گذاری در دبیرستان دخترانه افغانستان بی‌توجه باشم؟ نه!

می‌دانیم که اسلام ناب محمدی با عاشورای امام حسین زنده و احیا گردید به همین دلیل دشمنان، خیلی کوشش‌ها می‌کنند این برگزاری‌ها را از محتوا بیندازند و از آن روح انسان‌ساز و اصیل تهی‌اش کنند به گونه‌ای که فقط شکل برگزاری بماند و بس!

آقای مطهری هم (به این کژبینی‌ها و آسیب‌های برگزاری) اشاره می‌کند این که مثلا ما اشک ریختن برای امام حسین را شوینده هرگناهی بدانیم که این اشتباه است. شما که به من بدهکاری داری یک سال هم گریه کنی و اشک بریزی که رفع شدنی نیست. «حق‌الناس» با اشک و گریه که حل نمی‌شود. یا این عزاداری‌ها و برگزاری‌ها را جایگزین عبادت کنیم و چنین بگوییم که نیاز نیست شما روزه بگیری و نماز بخوانی و دیگر واجبات، فقط اشک بریز! کسی چنین سخنی را نمی‌پذیرد.

از سوی دیگر روایت‌ها را نفی نمی‌کنیم و معتقدیم و باور داریم که گناهان بزرگ را اشک ریختن برای امام حسین می‌آمرزد و می‌بخشد. یعنی انسان را به سمت ترک گناه می‌برد همان‌طور که حر را برد به گونه‌ای که با ترک گناه و جبران خطای گذشته آمرزیده شد، به نظرم یکی از تحریف‌ها همین است.

تحریف دیگری که در این زمینه هست همانا تحریف‌کردن «هدف» قیام اباعبدا... است که (به ویژه دشمنان به آن دامن زده و می‌زنند) ریاست یا حکومت بود؛ نه خیر! تکلیف بود. امر به معروف بود. به قول آقای مطهری، هم در بحث معنوی هم لفظی هم هدف چنین تحریفاتی صورت گرفته است.

درباره نوع عزاداری هم که (شاهد برگزاری‌هایی برخاسته از کژبینی و... هستیم) مثلا در ایام محرم یک سال در یکی از کشورهای اروپایی بودم هشت‌بار تلویزیون رسمی در روز عاشورا برنامه‌اش را قطع کرد و به پخش قمه‌زنی پرداخت که تبلیغ کنند: شیعه این است!

البته نمی‌خواهم بگویم آنچه را دشمن نمی‌پسندد باید کنار بگذاریم، دشمن شاید سنگ‌زدن ما به شیطان (رمی جمرات) یا چرخیدن به دور کعبه یا نمازگزاری ما را نپسندد. ما کاری به او نداریم و کار خودمان را می‌کنیم. عرض من این است که کاری که انجام می‌دهیم با این معیار باید مطابق باشد: «افضل العمل ما حمل بالسنت» یعنی مطابق با دین و سنت باشد مبنا داشته باشد. وهن نباشد و شیعه را تحقیر نکند. دقت می‌کنید! در یکی از این عزاداری‌ها... که برخی‌ها قلاده انداخته و صدای حیوان از خودشان درمی‌آوردند... اینها کارهای غلطیاست.

به کربلا توجه کنیم آیا در کربلا چه کسی چنین کارهایی کرده است، آن نوجوان می‌گوید: «امیری حسینٌ...» یا «جون غفاری» می‌گوید که: «کیف تری الکفار ضرب الاسودی...» من یک سیاه چرده‌ای هستم که به عشق آل محمد به میدان آمدم. سعید ابن عبدا... می‌گوید: «ا وفیت...» یا عباس که می‌گوید: «حب الحسین اجننی...» عشق حسین مرا از خودبی‌خود کرده، وقت آن آمد که من عریان شوم/ جسم بگذارم سراسر جان شوم. اینها آموزه‌های کربلاست: «وا... إن قطعت عن یمینی / إنی احامی ابدا عن دینی...» چرا ما کربلا را از این جنبه خارج کنیم. قصدم صرف مخالفت نیست آنها هم برای خودشان استدلالی دارند. اما سبک‌سنگین کنیم. واقعا کار قشنگی بود همان که در روز عاشورا صورت گرفت: خون دادن به عشق امام حسین برای بیماران؛ چقدر ارزش دارد! تا این که یک صحنه‌هایی را بیافرینیم که هم دشمنان سوءاستفاده می‌کنند. هم در دین ما مبنا ندارد. باید اینها را متوجه باشیم.

اتفاقا یکی از پرسش‌ها همین رجزها بود جز کوشش شما در این باره، انگار که روی رجزهای کربلاییان کار جدی ویژه‌ای صورت نگرفته در حالی که چه مضامین بلندی، چه مفاهیم و معارفی دارند و چقدر معرفت آموزند؟

«رجزهای عاشورا» یک جلد است که اوقاف چاپ کرده و یک دهه هم منبر رفتم با محوریت همین رجزها ولی کافی نیست و خیلی بیش از اینها باید بر روی این رجزها کار شود.

نکته‌ای در فراز آخر هم سخنی‌مان لازم می‌دانید که تاکید بفرمایید؟

تقاضایم از همه منبری‌ها و مداحان که دست همه‌شان را می‌بوسم، این است که با مطالعه و علمیت منابع معتبر برای مردم سخن بگویند. با تشکر از شما و روزنامه جام‌جم. ان‌شاءا... موفق باشید.

نگاه

نقدی بر تحریفات عاشورا

تحریف خواه‌ناخواه درباره واقعه‌های مهم تاریخی رخ می‌دهد به‌ویژه آنهایی که بر همه اقشار و لایه‌های جامعه تاثیرتعیین‌کننده دارند. این تحریف‌ها می‌تواند در چارچوب بزرگنمایی ، اغراق یا پررنگ کردن و نادیده‌گرفتن برخی عناصر سوی دشمنان و دوستان تندروا تفاق بیفتد. در این هزاروسیصدواندی سال شاهدیم درباره فاجعه کربلا تحریف زیاد بوده و متاسفانه با وجود نقد و رد آنها با کوشش شماری از محققان هنوز می‌بینیم تبلیغ و ترویج می‌شود.

ازجمله تحریف‌هایی که با اندوه از سوی برخی مداحان و منبرها همچنان بازگو می‌شود، «مصادره دارایی‌های کاروانیان» است که تاریخ طبری آن را به نقل از مقتل ابی مخنف آورده:«امام حسین(ع)کاروانی را دو بار متوقف ساخته و اجازه نمی‌دهد به سوی مقصد بروند و دارایی‌های‌شان را ضبط می‌کند!» نکته‌ای که رسانه‌های اموی برای تبرئه یزید و سپاه دشمن ساخته‌اند تا وانمود کنند امام ما به‌خاطر به هم زدن امنیت جامعه اسلامی کشته شده است. این رخداد، بارها از سوی پژوهشگران معاصر نقد و رد شده اما بازهم در متن‌های جدید با بافتن چه آسمان ریسمان‌ها و توجیهاتی دیده می‌شود.

سید بحرالعلوم در کتاب «علم رجال» خود این روایت ابی مخنف را دروغ‌پردازی بنی‌امیه و ناصبی‌ها درراستای اغراض سیاسی و قدرت‌طلبی‌شان برشمرده است.

تحریف دیگری که بارها شنیده‌ایم، همانا ازدواج امام حسین با دختر یزدگرد، شهربانو است که برپایه پژوهش‌های تاریخی، محققان بی‌تردید اعلام کرده‌اند چنین ازدواجی انجام نشده اما هنوز بر سر زبان‌هاست و به‌عنوان فضیلت برای ایرانیان انگاشته می‌شود که بله! امامان پس از حضرت سجاد (ع) ایرانی نژاد هستند! این داستان را در کافی اثر کلینی محدث بزرگ خوانده‌ایم که نخستین متن روایی‌اش به حساب می‌آید. درباره کافی یک افسانه دیگر ساخته‌اند که حاوی تایید امام زمان است. استاد محمدابراهیم آیتی در «تاریخ اسلام» خود این قضیه را به کل مردود دانسته است. از استاد مطهری درکتاب «خدمات متقابل ایرانیان و اسلام» هم این نقد را خوانده‌اید. کتاب «زندگانی علی بن حسین» اثر استاد سید جعفر شهیدی همین نقد و رد ازدواج یاد شده را آورده است.

کتاب «نفس المهموم» حاصل قلم شیخ عباس قمی در جوانی است اما ایشان در کتاب منتهی الآمال قضیه «حضرت زینب و کوبیدن سرشان را به محمل» که در کتاب نخست آورده بود، منکر شده و تاکید کرده هیچ سندی در این باره به دست نیامده است و افزوده آن بانوی با فضیلت و عالمه غیرمعلمه که فرزانه‌ترین بانوان جهان بودند، بی‌شک بردباری‌شان فراتر از چنین موضوعاتی بوده، البته اشاره به محمل فقط در روایات بنی‌امیه آمده و برای توجیه خودشان و لاپوشانی قساوت‌شان درباره زنان و اهل بیت پیغمبر ساخته شده وگرنه اسیران را با آن شقاوتی که می‌دانیم مگر می‌شود بر محمل نشانده باشند. سپاه دشمن حتی جهاز و پالان شتران را برداشته بودند.

استاد رسول جعفریان در کتاب «تاملی در نهضت عاشورا» درباره تحریف‌های عاشورا آورده است: نمونه شاخص ایجاد تحریف‌های تازه، دوره قاجاریه است که کتاب‌های بی‌پایه و اساس بسیاری نوشته شد و از مهم‌ترین و مفصل‌ترین این آثار می‌توان به «اسرارالشهاده» اثر ملا آقا دربندی اشاره کرد. این کتاب مملو از تحریف‌ها و خرافات است و مانند «روضه الشهدای کاشفی» بر اساس مأخذهای مجعول و مجهول نگارش یافته و افزوده‌های فراوانی نسبت به متون کهن دارد. از نکات قابل توجهی که در این دوره رواج داشته و مؤلف کتاب «لؤلؤ و مرجان» نیز از آن سخن به میان آورده، تألیفات عده‌ای عوام روضه‌خوان است که این خود منشأ رسوخ بیشتر تحریفات در تاریخ عاشورا شده است. در دوره قاجاریه ده‌ها کتاب مقتل به عناوین مختلف نوشته شد که نویسندگان آنها اصلا شم تاریخی درست و فهم تاریخی منطقی نداشتند. بسیاری از آنان نقل‌هایی را که از این طرف و آن طرف شنیده بودند، جمع‌آوری می‌کردند یا روی منبر می‌خواندند و دیگران از قول آنها روایت می‌کردند در نتیجه مجموعه‌ای از اخبار نادرست فراهم شد به‌گونه‌ای که مرحوم نوری نقل می‌کرد «فلانی می‌گفت از مجموع والد نقل می‌کنم و دیگری می‌گفت از جنگ استاد مغفور نقل می‌کنم.»

نکته جالبی که استاد مطهری هم در حماسه حسینی به آن اشاره کرده جدا از تحریف‌های تاریخی و افزونه‌های اسطوره‌وار و... همانا تحریف معنایی است که ایشان چند نمونه را آورده است:« استثنایی و منحصر به فرد دانستن قیام امام‌حسین (ع) به‌عنوان یک دستور محرمانه و الهی با تاییداتی که در خواب از پیامبر و امیرالمومنین دریافت کردند همچنین مانند مسیحیان و نظرشان درباره تصلیب عیسی، اینجا نیز شهادت امام را کفاره گناهان دیگران برشمرده‌اند».